

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۰۲ مارچ ۲۰۲۱



یونس نگاه

## جنگ بی قهرمان

در خوردی گاهی بزرگترها ما را کشتی می انداختند. اول با لبخند کمر می دادیم. بعد از چند لحظه به تحریک تماشاچیان داغ می شدیم و با اراده ای آهنین کمر به چپه کردن طرف مقابل می بستیم. اگر یک طرف چپه می شد، میدان داغ تر می شد و او تا گرفتن پور ایلگر نبود.

کمکم شوق به خشم بدل می شد و اطرافیان را فراموش می کردیم. می خواستیم قهرمان شویم، حس خشم و نفرت از طرف مقابل در دل ما جوش می زد و با ناخن، دندان و مشت به جان هم می افتادیم.

بیشتر مواقع دست های قوی جنگ اندازان میدان را مدیریت می کردند. مثل خروس های خشمگین از بال های ما گرفته دور می کردند و بعد از تفهیم مجدد قواعد و نصیحت دوباره به جان هم می کردند تا میدان را گرم کنیم.

گاهی اگر یک طرف قوی تر می بود، یکی از آن دست ها برای حفظ توازن دامن قوی تر را می کشید، مانع شکست طرف ضعیف می شد و حتی در مواردی طرف قوی را کشیده به زیر طرف ضعیف لول می دادند تا بازی خاتمه نیابد. حتی در مواردی طرف قوی را گوشمالی می دادند که احتیاط!

ما که داغ بودیم، به گوشمالی و مزاحمت دست های مدیران زیاد توجه نمی کردیم. تمام توجه ما به "مبارزه" بود و می کوشیدیم حریف شیطان صفت و ابلیس مانندی را که چند لحظه قبل هم بازی ما بود، شکست دهیم. حتی آرزوی می کردیم انگشتان ما فولاد شوند تا گلوی آن "شیطان" مثل خود را پاره کنیم!

جنگ و صلح طالبان و دولت شباهت زیاد به همان میدان کودکی ما دارد. میدان بی قهرمان است. بزرگان نمی گذارند هیچ طرفی برنده شود. اگر دولت کمی قوی گردد، بزرگان برای حفظ طالب دست به کار می شوند و اگر طالبان از چپه برآیند طیاره های بم افکن را به جان شان روان می کنند. در هر دو طرف حس مسؤولیت، برنامه و هدف، لیست شهیدان و قهرمانان طولانی است. اما، خوب که دقت کنید، همه بازیچه بزرگان اند. نه پلان و شعار کاری از پیش می برد، نه

مدیریت و عشق به مبارزه. با هزار جانِ عزیز صد سنگر را فتح کنند، با یک اشاره کاکا دوباره مجبورند به جای اول  
برگردند. نفرین به جنگ تحمیلی که از هر طرفش ناکامیست.